



Legal Analysis of Article 24 of Permanent rules of Development Plans Act of the country (Islamic Republic of Iran): Manage of economic interest group

Hamid kabirishahabad^{1*} | Mohammad Issaei Tafreshi²

1. Corresponding Author, Faculty of Law, Political Science and History, Campus of Humanities and Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. Email: h.kabiri@yazd.ac.ir

2. Faculty of Law, Tarbiyat Modares University, Tehran, Iran. Email: tafreshi27@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received November 03, 2020
Revised April 03, 2021
Accepted December 14, 2022
Published online 26 June 2023

Keywords:
Economic Interest Group
Members' Assembly
Group Management
Profit and Loss.

ABSTRACT

Since 2016, Article 24 of the Law on Permanent Provisions of the Country's Development Plans and before that Article 107 of the Law on the Fifth Development Plan have been considered as the source of identifying the economic interest group in the Iranian legal system. The institution, which according to the mentioned article is considered as a partnership without legal personality, has a framework and rules for formation, management, liquidation and liquidation. In this article, after examining the history of legislation on this institution in the country and comparing it with other similar concepts, by descriptive-analytical method, the provisions of this article are analyzed solely for the administration and management structure of this and based on jurisprudential and legal rules. And its various dimensions, including the members' assembly and its rules, group management and related issues, and finally the profit and loss of the group's activities and how it is divided, examined and explained, and tried to address the ambiguities of the article with Reasonable analysis should be compensated according to the rules of the company contract subject to civil law and general rules. Also, in each section and as the case may be, Council Regulation on the European Economic Interest Grouping and the French commercial law have been mentioned and compared.

Cite this article: Kabirishahabad, H., Issaei Tafreshi, M., (2022). Legal Analysis of Article 24 of Permanent rules of Development Plans Act of the country (Islamic Republic of Iran): Manage of economic interest group. *Private Law*. 19 (2), 369-386. Doi: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.312801.1006911>



© Hamid kabirishahabad, Mohammad Issaei Tafreshi **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.312801.1006911>



تحلیل حقوقی ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور: اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک

حمید کبیری شاه‌آباد^{۱*} | محمد عیسایی تفرشی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشکده حقوق، علوم سیاسی، و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: h.kabiri@yazd.ac.ir
 ۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران. رایانامه: tafreshi27@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

از سال ۱۳۹۵ ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و قبل از آن ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه منشأ شناسایی نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک در نظام حقوقی کشور ایران محسوب می‌شود. نهاد یادشده که بر اساس ماده مورد اشاره از جمله مشارکت‌های فاقد شخصیت حقوقی محسوب می‌شود دارای قواعدی برای تشکیل، اداره، انحلال، و تصفیه است. در این نوشتار، پس از بررسی تاریخچه قانون‌گذاری این نهاد در کشور و مقایسه آن با سایر مفاهیم مشابه، با روش توصیفی-تحلیلی، مقررات ماده یادشده صرفاً از جهت اداره و ساختار مدیریت آن و بر اساس مبانی فقهی و قواعد حقوقی تحلیل شده و ابعاد مختلف آن-از جمله مجمع اعضا و قواعد آن، مدیریت گروه و موضوعات مربوطه، سود و زیان حاصل از فعالیت و نحوه تقسیم آن-تبیین و سعی شده نواقص و ابهامات ماده یادشده با تحلیل‌های منطقی بر اساس مقررات عقد شرکت موضوع قانون مدنی و قواعد عمومی جبران شود. همچنین، در هر قسمت و حسب مورد به مقررات آیین‌نامه جامعه اروپا در خصوص گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی و قانون تجارت فرانسه نیز اشاره شده و مقایسه صورت گرفته است.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۸/۱۳۹۹

تاریخ بازنگری: ۱۴/۰۱/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۳/۰۹/۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۰۵/۰۴/۱۴۰۲

کلیدواژه:

سود و زیان،

گروه اقتصادی با منافع مشترک،

مجمع اعضا،

مدیریت گروه.

استناد: کبیری شاه‌آباد، حمید؛ عیسایی تفرشی، محمد (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور: اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک. حقوق خصوصی، ۱۹ (۲) ۳۶۹-۳۸۶.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.312801.1006911>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© حمید کبیری شاه‌آباد، محمد عیسایی تفرشی.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.312801.1006911>



مقدمه

فعالیت‌های اقتصادی به صورت جمعی و مشارکتی همواره نقشی بسزا در نظام‌های اقتصادی و تجاری هر کشور ایفا می‌کند. صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرای پروژه‌ها از طریق منطقی کردن هزینه‌های ثابت یا تسهیم هزینه‌های تحقیق و توسعه، تقسیم خطر ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، و موضوعاتی از این دست از دلایلی است که تفوق فعالیت‌های مشارکتی بر فعالیت‌های فردی را در حوزه‌های اقتصادی و تجاری توجیه می‌کند (Ian Hewitt, 2001: 5-6).

بی‌تردید توجه قانون‌گذار به این فعالیت‌ها و تصویب قوانین مناسب به منزله بستری برای شکل‌گیری و سازماندهی آن‌ها از اهمیتی بسزا برخوردار است. در کشور ایران، این نوع فعالیت‌ها عمدتاً در قالب شرکت‌های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت و همچنین در قالب قراردادهای شرکت مدنی، مضاربه، مزارعه، و مساقات موضوع قانون مدنی صورت می‌گیرد. با وجود این قوانین و قالب‌های متعدد حقوقی، قانون‌گذار کشور در سال ۱۳۹۵ به موجب قانونی با عنوان «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور»^۱ نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک را به منزله چارچوبی دیگر برای شکل‌گیری و سازماندهی فعالیت‌های مشارکتی مطرح کرده و به تعیین سازوکار آن پرداخته است.

نهاد یادشده اولین بار در نظام حقوقی کشور فرانسه متولد شد و پس از آن به سایر نظام‌های حقوقی راه یافت و حتی جای خود را در برخی همکاری‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای گشود (قهرمانی، ۱۳۸۴: ۲۰). در کشور ایران از چندی پیش تلاش‌هایی برای پذیرش این نهاد حقوقی صورت گرفته که اولین مورد آن تصویب مواد ۱۰۱ تا ۱۲۱ لایحه تجارت ۱۳۸۴ دولت است. اما، پس از تغییرات فراوان این لایحه در مجلس، این مواد حذف شد. تلاش بعدی که در این زمینه صورت گرفت مربوط به ماده ۳ پیش‌نویس لایحه ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب‌وکار در سال ۱۳۸۸ است که در آن گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز پیش‌بینی شده بود.^۲ اما این دومین تلاش نیز بی‌نتیجه بود و همراهی قوه قانون‌گذاری را به دنبال نداشت.

بالاخره، این نهاد اقتصادی-حقوقی در نتیجه سومین تلاشی که صورت گرفت در قالب ماده ۹۹ لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و سپس در قالب ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۹۴)، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی، به نظام حقوقی ایران راه یافت. از آنجا که قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز پس از یک سال تمدید در اسفندماه ۱۳۹۵ به اتمام رسید و ملغی شد، قانون‌گذار کشور در سال ۱۳۹۵ قانونی با عنوان «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» با هدف تعیین احکام ثابت برای برنامه توسعه کشور تصویب کرد و نهاد مورد اشاره را بار دیگر در ماده ۲۴ این قانون مطرح ساخت و به تعیین سازوکار آن پرداخت.^۳ این قانون به جهت رسالتی که دارد، یعنی بیان احکام دائمی برای قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، جایگاهی مناسب برای پیش‌بینی نهادهای اقتصادی، از جمله گروه اقتصادی با منافع مشترک، نیست. همچنین از آنجا که در قانون یادشده ضمن یک ماده مقررات مربوط به این نهاد اقتصادی مطرح شده و در نتیجه ابهامات زیادی در مورد آن وجود دارد، محققان در این تحقیق درصدد تحلیل حقوقی ماده یادشده هستند تا با توجه به مبانی فقهی و حقوقی ابهامات موجود پاسخ داده شود. اما با توجه به ابعاد حقوقی مختلف در رابطه با گروه اقتصادی با منافع مشترک-اعم از تشکیل، مسئولیت اعضا، ماهیت حقوقی، اداره، انحلال، تصفیه- در این نوشتار ماده یادشده صرفاً در مبحث اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک تحلیل و ابعاد رابطه حقوقی شرکا در این گروه با یک‌دیگر و رابطه با اشخاص ثالث تبیین می‌شود. همچنین در هر قسمت و حسب مورد به مقررات آیین‌نامه جامعه اروپا در خصوص گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی^۴ و قانون تجارت فرانسه اشاره

۱. از این پس قانون یادشده قانون احکام دائمی نامیده می‌شود و به صورت اختصاری ق.ا.د. به کار می‌رود.

۲. پیش‌نویس یادشده به نشانی زیر در دسترس است:

<http://www.ecasb.com/article-fa-430.html>

۳. مقررات ماده ۲۴ ق.ا.د. دقیقاً مشابه ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه است و فقط در دو مورد تغییر کرده است: ۱. اضافه شدن تبصره چهارم به این ماده و پیش‌بینی تنظیم آیین‌نامه برای اجرای این ماده؛ ۲. اضافه شدن یک بند به تبصره ۱ این ماده. در تبصره ۱ این ماده، پس از بیان مسئولیت تضامنی اعضای گروه در ارتباط با دیون گروه، مقرر شده «مراجع ثبت‌کننده در صورتی نسبت به ثبت این شرکت‌ها اقدام می‌کنند که در قرارداد شرایط تضامن قید شده باشد»؛ درحالی‌که این قید در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه وجود نداشت.

4. Council Regulation No 2137/85, on the European Economic Interest Grouping (EEIG) (adopted by the Council on 25 July 1985). از این پس در این مقاله «آیین‌نامه جامعه اروپا» نامیده می‌شود.

می‌شود و مقایسه صورت می‌گیرد. به جهت ورود در بحث، ابتدا مقایسه گروه اقتصادی با منافع مشترک با نهادهای مشابه و سپس تبیین ضرورت ایجاد این نهاد در نظام حقوقی ایران انجام می‌شود تا جایگاه این نهاد کاملاً روشن شود.

مقایسه گروه اقتصادی با منافع مشترک با نهادهای مشابه

با در نظر گرفتن ماده ۲۴ ق.ا.د. این پرسش مطرح می‌شود که گروه اقتصادی با منافع مشترک با سایر قالب‌های حقوقی مرسوم در سطح بین‌الملل یا حقوق سایر کشورها - مانند مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر)^۱ و اتحادیه شرکت‌ها (کنرسیوم)^۲ - تا چه اندازه هم‌پوشانی و تفاوت دارد؟ آیا این قالب حقوقی تعبیر دیگری از آن نهادهاست یا کلاً متفاوت است؟ مقایسه با سایر نهادها و عناوین مشابه می‌تواند به تبیین و تحلیل هر چه بهتر این ساختار حقوقی کمک کند و همچنین امکان پذیرش یا عدم پذیرش نهادها یا ساختارهای مشابه را روشن کند. بنابراین، در ادامه به این دو نهاد پرداخته و ترادف یا تفاوت آن‌ها با گروه اقتصادی با منافع مشترک مشخص می‌شود.

مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر)

مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر) یکی از قالب‌های حقوقی برای همکاری بین بنگاه‌های اقتصادی است. مشهور است که جوینت ونچر در حقوق آنگلو ساکسون به وجود آمده و سابقه چندانی ندارد و از سال‌های ۱۸۹۰ این اصطلاح در آرای دادگاه‌های امریکا مورد استفاده قرار گرفته است (خزاعی و بدری اهری، ۱۳۶۹: ۵۳ - ۱۲۸). در انتخاب معادل فارسی برای جوینت ونچر برخی اصطلاح «مشارکت انتفاعی» را استفاده کرده‌اند (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۵۱۹). برخی دیگر به دلیل عدم اجماع در ترجمه این اصطلاح از علامت اختصاری «J. V» بهره گرفته‌اند (حکیمیان، ۱۳۸۴: ۳۹). در تعریف جوینت ونچر نیز تعابیر مختلفی بیان شده است؛ از جمله در تعریف آن گفته شده «یک تکنیک حقوقی برای مشارکت در امری تجاری به منظور دستیابی به اهداف طرفین آن است» (حکیمیان، ۱۳۸۴: ۳۹).

مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر) به انواع مختلفی تقسیم می‌شود (شاپیرا، ۱۳۷۱: ۱۰۵). در یک تقسیم‌بندی بسیار مهم جوینت ونچرها به جوینت ونچرهای واجد شخصیت حقوقی^۳ و جوینت ونچرهای فاقد شخصیت حقوقی یا قراردادی^۴ تقسیم می‌شوند. البته برخی نیز با عنوان مشارکت انتفاعی حقوقی و مشارکت انتفاعی مدنی این تقسیم‌بندی را مطرح کرده‌اند (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۵۲۳). در هر صورت جوینت ونچر ماهیت قراردادی دارد و موافقت‌نامه یا قرارداد همکاری که بین شرکا تنظیم می‌شود عنصر اصلی آن به شمار می‌رود.^۵ در این موافقت‌نامه همکاری آورده طرفین، میزان مشارکت آن‌ها در سود و زیان، ساختار مدیریت، و ... تعیین می‌شود (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۵۲۱ - ۵۲۲). آنچه واضح است این است که جوینت ونچر یک رابطه قراردادی بر مبنای مشارکت اشخاص در امور تجاری و اقتصادی است. بنابراین، در موردی که جوینت ونچر فاقد شخصیت حقوقی باشد می‌تواند با گروه اقتصادی با منافع مشترک برابری کند. به عبارت دیگر، قراردادی که شرکا برای امور تجاری بین خود تنظیم می‌کنند و چارچوب روابط خود را مشخص می‌کنند می‌تواند عنوان جوینت ونچر یا گروه اقتصادی با منافع مشترک به خود بگیرد. زیرا آنچه در ماده ۲۴ ق.ا.د. بیان شده بر اساس مبانی حقوق داخلی تفاوتی با جوینت ونچر فاقد شخصیت حقوقی ندارد. در حقوق خارجی، مثلاً در ایالات متحده امریکا و انگلستان، اصطلاح جوینت ونچر دارای معنای عامی است که همه نهادهای مشارکتی، اعم از مشارکت قراردادی و شرکت‌های تجاری، را در بر می‌گیرد (F. Egan, 2001: 1). در حقوق فرانسه نیز برخی نوشته‌ها هر چند گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی را همراه جوینت ونچر یکی از قالب‌های مشارکت شمرده است، گروه اقتصادی با منافع مشترک متداول در فرانسه ذیل جوینت ونچر مطرح می‌شود (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۵۲۳ - ۵۲۴). در محیط بین‌الملل نیز همین مورد وجود دارد (Baker & McKenzie, 2006: 23).

1. joint venture

2. consortium

3. equity joint ventures/ corporate joint ventures

4. non-equity joint ventures/ non-corporate joint ventures

۵. برای آگاهی از سایر عناصر تشکیل‌دهنده جوینت ونچر ← حکیمیان، ۱۳۸۴: ۴۷ - ۴۸.

اتحادیه شرکت‌ها (کنرسیوم)

کنرسیوم «سازمانی است که توسط دو یا چند شرکت ایجاد شده که با هم همکاری می‌کنند تا به عنوان شخصی واحد برای منظور مشخص و محدودی فعالیت کنند» (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۵۲۷). در واقع کنرسیوم به مجموعه‌ای از شرکت‌ها اطلاق می‌شود که در هم ادغام شده‌اند و در یک پروژه معین با هم مشارکت می‌کنند؛ مانند کنرسیوم‌های نفتی (قهرمانی، ۱۳۸۴: ۳۶). شرکت‌های تشکیل‌دهنده یک کنرسیوم با حفظ موجودیت مستقل خود زیر پوشش کنرسیوم اقدام به تأسیس شرکتی جدید می‌کنند که شرکای آن، به جای اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی هستند و مانند یک شرکت دارای اساننامه و نهادهای قانونی لازم برای یک شرکت، مانند مجامع عمومی و هیئت مدیره و بازرس، است (قهرمانی، ۱۳۸۴: ۳۷). در بند «الف» ماده ۱۰۴ ق.ب.پ. مقرر شده بود «به منظور ارتقای مشارکت بنگاه‌ها و افزایش سهم تشکلهای، شبکه‌ها، خوشه‌ها، اتحادیه شرکت‌ها (کنرسیوم‌ها)، شرکت‌های مدیریت صادرات و شرکت‌های بزرگ صادراتی و دارای تنوع محصول، دولت مجاز است کمک‌ها، تسهیلات، مشوق‌ها، و حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم خود در حوزه صادرات غیر نفتی را از طریق این تشکلهای اعطا کند. تشکلهای موضوع این ماده در مقابل اختیارات واگذار شده پاسخگو و مسئول جبران خسارت خواهند بود. آیین‌نامه اجرایی این بند توسط وزارت بازرگانی و معاونت تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد». در این ماده قانون‌گذار «اتحادیه شرکت‌ها» را معادل فارسی واژه انگلیسی «کنرسیوم» به کار برده بود. بنابراین، بر اساس این مفهوم، در کنرسیوم هیچ ادغامی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه چند شرکت اتحادیه‌ای ایجاد می‌کنند و از طریق آن به فعالیت می‌پردازند و در مورد اینکه آیا این اتحادیه واجد شخصیت حقوقی است یا خیر بیانی وجود ندارد. بر این اساس باید گفت کنرسیوم اتحادیه‌ای از شرکت‌هاست و به نظر می‌رسد از لحاظ شخصیت حقوقی همسان گروه اقتصادی با منافع مشترک است و هیچ‌یک از آن دو شخصیت حقوقی ندارد. اما متأسفانه قانون‌گذار چندان به معنای این اصطلاح پایبند نبوده و در مواردی گروه اقتصادی با منافع مشترک، که وفق ماده ۲۴ ق.ا.د. متشکل از چند شخص حقیقی یا حقوقی یا ترکیبی از اشخاص حقیقی و حقوقی است، را نیز معادل کنرسیوم به کار برده است. در این زمینه می‌توان به قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب سال ۱۳۹۸ (بند ۱ ماده ۱۰ و ماده ۱۵) و همچنین آیین‌نامه مربوط به ماده ۱۵ این قانون اشاره کرد. در این مقررات قانون‌گذار کنرسیوم را معادل گروه اقتصادی با منافع مشترک به کار برده است. بنابراین، هرچند در مباحث حقوقی اصطلاح کنرسیوم معمولاً برای اتحادیه شرکت‌ها در سطح بین‌الملل یا حقوق داخلی کشورها استعمال می‌شود، قانون‌گذار کشور ایران - با اینکه قبلاً به این تعریف پایبند بوده - در قوانین اخیرالتصویب این تعریف را رها کرده و کنرسیوم را معادل گروه اقتصادی با منافع مشترک به کار برده است.

ضرورت پیش‌بینی نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک در نظام حقوقی ایران

سؤال اساسی آن است که آیا ماده ۲۴ ق.ا.د. نقش تجویزی دارد یا نقش ساماندهی؟ به عبارت دیگر آیا قانون‌گذار با پیش‌بینی گروه اقتصادی با منافع مشترک و وضع ماده ۲۴ ق.ا.د. نهادی جدید را ایجاد و مجوز استفاده از آن را صادر کرده یا اینکه این نهاد قبلاً نیز در نظام حقوقی کشور موجود بوده و هدف قانون‌گذار صرفاً ساماندهی امور مربوط به آن و همچنین روشن ساختن ساختار آن برای فعالان اقتصادی بوده است؟ پاسخ به سؤال مطرح‌شده در گرو طرح و پاسخگویی به این سؤال است که آیا قبل از وضع ماده ۲۴ ق.ا.د. امکان مشارکت بین دو یا چند شخص برای فعالیت تجاری و کسب سود وجود داشته است یا خیر؟ پاسخ به این سؤال بدون تردید مثبت است. مقررات عقد شرکت در قانون مدنی (مواد ۵۷۱ - ۶۰۶)، ماده ۲۲۰ قانون تجارت در خصوص شرکت‌های عملی، و همچنین ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص لزوم ثبت شرکت‌نامه از جمله این مقررات است. اما باید اقرار کرد که در قانون مدنی مقررات عقد شرکت بیشتر بر مال مشاع و اداره آن تکیه دارد نه ایجاد ظرفیت و ساختاری منسجم برای فعالیت اقتصادی و توزیع سود ناشی از آن. همچنین، اگر چند شخص قراردادی با عنوان مشارکت منعقد کنند و به فعالیت تجاری بپردازند با ماده ۲۲۰ قانون تجارت مواجه می‌شویم و این سؤال مطرح می‌شود که آیا این مشارکت شرکت تضامنی محسوب می‌شود یا صرفاً شرکا در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند؟ عبارت قانون‌نیزمند تفسیر

است و دکتربین حقوقی در این زمینه اختلاف نظر دارد (← اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۷۶). بنابراین چنانچه فعال اقتصادی نخواهد از ساختار شرکت‌های تجاری استفاده کند با آشفتگی در این زمینه مواجه می‌شود. این وضعیت برای شخص ایرانی است. اگر شخص خارجی نیز بخواهد در قالبی غیر از شرکت‌های تجاری در ایران به فعالیت و سرمایه‌گذاری بپردازد نمی‌توان ساختاری منسجم به او معرفی کرد. درحالی‌که قبلاً هم ضرورت وجود چنین نهاد و ساختاری در نظام حقوقی ایران وجود داشته است. در این زمینه می‌توان به ماده ۳ قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب سال ۱۳۷۵ اشاره کرد که مشارکت شرکت‌های داخلی و خارجی برای کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی، و خدماتی را لازم می‌داند؛ درحالی‌که قالب مشارکت مشخص نشده است. همچنین می‌توان اشاره کرد به ضرورت‌هایی که بعداً در این خصوص ایجاد شده است، مانند ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۹۱ در خصوص لزوم مشارکت ایرانی- خارجی در صورت ضرورت. به موجب قانون یادشده مشارکت شرکت‌های داخلی و خارجی باید در قالب شرکت‌های تجاری صورت گیرد. درحالی‌که ممکن است طرف خارجی و حتی طرف ایرانی تشکیل شرکت را به مصلحت خود نداند و بخواهد صرفاً در قالب مشارکت قراردادی فعالیت تجاری و اقتصادی خود را پیش ببرد. از طرفی ساختارهای جونت ونچر، کنسرسیوم، یا گروه اقتصادی با منافع مشترک در سطح بین‌المللی نیز مرسوم است و مورد استفاده قرار می‌گیرند و نبود آن‌ها در فضای حقوق داخلی یک خلأ محسوب می‌شود.

زمانی که به مشروح مذاکرات مجلس درباره قانون برنامه پنجم توسعه به عنوان اولین قانون راجع به نهاد یادشده در نظام حقوقی ایران مراجعه می‌کنیم نیز همین دغدغه‌ها دیده می‌شود (← <http://mashruh.ir/session/30977/table#q0706>). علاوه بر این در قانون یادشده ابتدا، به موجب ماده ۱۰۵، موضوع ادغام شرکت‌های تجاری مطرح و سپس در ماده ۱۰۷ به گروه اقتصادی با منافع مشترک پرداخته شده بود. این موضوع نشان از آن داشت که قانون‌گذار با این ساختار درصدد تسهیل مشارکت اشخاص با یک‌دیگر است.

در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نیز با این عبارات مواجه می‌شویم: «ما در قانون تجارت چنین خلأیی داریم که یک عده‌ای می‌خواهند دور هم جمع شوند یک کاری را انجام دهند و بعد هم این گروه دیگر ادامه کار ندهد. چنین قوانینی در قوانین تجارت برخی از کشورها یا عمده کشورها وجود دارد. ما این خلأ را داریم ... (← <http://mashruh.ir/session/51122/table#q0150>). در این مذاکرات به مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان برای مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی و عدم تمایل به استفاده از ساختار شرکت‌های تجاری نیز اشاره شده است (← <http://mashruh.ir/session/10397/table#q0162>).

بر همین اساس زمانی که قانون‌گذار در سال ۱۳۹۸ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی را تصویب و لزوم مشارکت ایرانی و خارجی را در برخی موارد پیش‌بینی کرد مشارکت ایرانی و خارجی را هم از طریق شرکت (تجاری) هم از طریق گروه اقتصادی با منافع مشترک مجاز دانست (بند ۱۰ ماده ۱). علاوه بر این آیین‌نامه‌ای با عنوان «آیین‌نامه تشویق به مشارکت موضوع ماده (۱۵) قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۶ از سوی هیئت وزیران به تصویب رسید که به موجب آن قانون‌گذار مشوق‌هایی برای تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک پیش‌بینی کرد (مثلاً ماده ۱۵ و ۲۲ این آیین‌نامه). این موضوع اراده قانون‌گذار را برای سامان دادن به فعالیت اقتصادی در قالب گروه اقتصادی با منافع مشترک نشان می‌دهد. همچنین، با تصویب ماده ۲۴ ق.ا.د. و پذیرش مسئولیت تضامنی برای اعضای گروه اقتصادی با منافع مشترک در خصوص دیون ناشی از فعالیت آن، ابهام و اختلاف درباره ماده ۲۲۰ قانون تجارت و شرکت‌های عملی پایان یافته است. در حال حاضر اگر دو یا چند شخص با یک‌دیگر مشارکت کنند و به فعالیت تجاری بپردازند و خود را در قالب هیچ‌یک از شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت درنیاورند، باید فعالیت آن‌ها را در قالب گروه اقتصادی با منافع مشترک تلقی کرد و برای اعضای آن در ارتباط با پرداخت دیون ناشی از فعالیت گروه مسئولیت تضامنی قائل شد.

بنابراین، در پاسخ به سؤال ابتدایی این قسمت باید گفت ماده ۲۴ ق.ا.د. نقش ساماندهی امور مربوط به مشارکت‌های قراردادی و روشن کردن ساختار آن را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، در حال حاضر یک ساختار مشخص برای مشارکت دو یا چند شخص با هدف فعالیت اقتصادی و تجاری وجود دارد که می‌توان آن را به اشخاص داخلی و خارجی متقاضی معرفی کرد؛ هرچند قانون‌گذار به دلیل اختصار به‌کاررفته در تصویب ماده ۲۴ و همچنین عدم مناسبت جایگاه نهاد یادشده با قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور^۱ در دستیابی به اهداف خود توفیق چندانی نداشته است.

اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک

برای اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک سه رکن قابل تصور است: رکن تصمیم‌گیری، رکن اجرای تصمیم و اداره، رکن نظارت. همچنین پس از فعالیت گروه چنانچه سود و زیانی ایجاد شود این سود و زیان نیز به اعضا تعلق می‌گیرد که باید به موضوعات پیرامون آن پرداخته شود. بنابراین، موضوع مربوط به حیات و اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک، با توجه به ماده ۲۴ ق.ا.د. در چهار قسمت رکن تصمیم‌گیری، مدیریت گروه، بازرسی، و سود و زیان و نحوه تقسیم آن دنبال و مقررات ماده یادشده تحلیل و بررسی می‌شود.

رکن تصمیم‌گیری

اولین رکن برای اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک رکن تصمیم‌گیری است که آن را مجمع اعضا می‌نامیم. بنا بر صراحت ماده ۲۴ ق.ا.د. گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی تشکیل می‌شود. بدیهی است تصمیم‌گیری درباره امور گروه و حرکت به سمت هدف تعیین‌شده بر عهده خود شرکا یا اعضای گروه خواهد بود. ماده ۱۰-۲۵۱ L. قانون تجارت جدید فرانسه به تبیین مجمع اعضای گروه اقتصادی با منافع مشترک و احکامی درباره آن می‌پردازد. در آیین‌نامه جامعه اروپا نیز طی مواد ۱۶ و ۱۷ مجمع اعضا مورد توجه قرار گرفته است. در این آیین‌نامه به جای اصطلاح مجمع اعضا از اصطلاح «اعضایی که مجتمعاً عمل می‌کنند»^۲ استفاده شده است.

حال، در چارچوب ماده ۲۴ ق.ا.د. سؤالات و ابهاماتی درباره مجمع اعضا و نحوه تصمیم‌گیری ایشان مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه اتفاق آرا ملاک تصمیم‌گیری است یا موافقت اکثریت؟ همچنین، چه اکثریتی ملاک عمل خواهد بود؟ مجمع اعضا با چه حد نصابی تشکیل می‌شود و با چه اکثریتی به اتخاذ تصمیم می‌پردازد؟ آیا مواردی باید وجود داشته باشد که تصمیم‌گیری نیازمند اجماع همه اعضا باشد؟ حق رأی اعضا بر چه مبنایی محاسبه می‌شود، آیا بر اساس میزان آورده هر یک از اعضاست یا هر عضو یک رأی خواهد داشت؟ این‌ها مواردی است که باید در مورد مجمع اعضا و نحوه تصمیم‌گیری آن بررسی شود. در ماده ۲۴ ق.ا.د. متأسفانه به هیچ‌یک از این سؤالات پاسخ داده نشده است.

در آیین‌نامه جامعه اروپا، هر عضو در مجمع اعضا یک رأی دارد (بند ۱ ماده ۱۷). به موجب این آیین‌نامه در قرارداد تشکیل گروه می‌توان به برخی از اعضا تعداد آرای بیشتری را اعطا کرد، مشروط بر اینکه هیچ عضوی اکثریت آرا را به دست نیاورد. بر اساس آیین‌نامه یادشده در مواردی- از جمله تغییر در اهداف گروه، تغییر در تعداد آرای اختصاص‌یافته به هر عضو، تغییر در شرایط تصمیم‌گیری، و ...- تصمیمات اعضا باید به صورت اجماعی اتخاذ شود (بند ۲ ماده ۱۷). جز مواردی که در این آیین‌نامه به تصمیم‌گیری اجماعی تصریح شده است، در سایر موارد حد نصاب و اکثریت لازم برای تشکیل مجمع و تصمیم‌گیری با توافق اعضا و در قرارداد گروه مشخص می‌شود. سکوت اعضا در قرارداد گروه موجب لزوم اجماعی بودن تصمیمات است (بند ۳ ماده ۱۷). بنابراین اصل بر اجماعی بودن تصمیمات است، مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه خلاف آن مقرر شود. البته در موارد مشخصی نیز اتخاذ تصمیم اجماعی آمرانه است (Sterling Ker, 1990: 1752). در قانون تجارت فرانسه نیز به موجب ماده L.

۱. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه به جهت دائمی کردن برخی از احکامی تصویب شد که در برنامه‌های توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدف آن نیز کاستن از حجم قوانین برنامه بوده است. از این رو، ایجاد یک ساختار اقتصادی که باید مورد استفاده فعالان تجاری و اقتصادی قرار بگیرد در این قانون هیچ توجیهی ندارد.
2. members acting collectively

20-251 تصمیم‌گیری در خصوص برخی موارد، از جمله ادامه فعالیت گروه در صورت حجر یا ورشکستگی یکی از اعضا، به صورت آمرانه به اتفاق آرای اعضای گروه موکول شده است (حقانی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

برای تبیین احکام مجمع عمومی اعضا و نحوه مشارکت ایشان در تصمیم‌گیری، در نظام حقوقی ایران، چنانچه بخواهیم مقررات مربوط به مال مشاع در قانون مدنی را ملاک قرار دهیم، روشن است که تصرف مادی در مال مشاع مستلزم رضایت همه شرکا است (ماده ۵۸۲ قانون مدنی).^۱ اما تصرف حقوقی هر شریک در سهم اختصاصی خودش مانند فروش و اجاره سهم مشاعی مجاز است (ماده ۵۸۳ قانون مدنی) (کاشانی، ۱۳۶۵: ۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۵). البته لزوم موافقت اجماعی شرکا برای اداره و تصرف در مال مشاع در مواردی با استثنا روبه‌رو شده است. از جمله این موارد مقررات قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب اسفند ۱۳۴۳ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب اردیبهشت ۱۳۴۷ است که متضمن مقررات خاصی در مورد طرز اداره قسمت‌های مشترک ساختمان‌های دارای طبقات متعدد بر اساس نظر اکثریت شرکا است (ماده ۶ قانون تملک آپارتمان‌ها).

بنابراین، این سؤال باید پاسخ داده شود آیا تصمیمات اجماعی برای تصرف در مال مشاع در همه موارد یک قاعده آمره است و قانون تملک آپارتمان‌ها یک استثنا برای این قاعده آمره یا این قاعده تکمیلی است و صرفاً در صورت اطلاق قرارداد و سکوت شرکا اجرا می‌شود؟ به نظر می‌رسد اجماعی بودن تصمیمات در مورد مال مشاع حکم وجوبی تکلیفی نیست، بلکه حق محسوب می‌شود که قابل اسقاط است (برای مطالعه بیشتر درباره تمایز مفهوم حق و حکم ← فروغی، ۱۳۹۷: ۳ - ۳۶). قانون تملک آپارتمان‌ها نیز مصداقی است که قانون‌گذار به جهت فراهم کردن امکان اداره امور ساختمان‌های دارای واحدهای متعدد (از آنجا که تحقق اتفاق آرا به‌ندرت ممکن است صورت بگیرد و تصمیم‌گیری با مشکل مواجه خواهد بود) به اتخاذ تصمیم اکثریت اعضا بسنده کرده است. از این رو، با الغای خصوصیت از قانون تملک آپارتمان‌ها امکان تصمیم‌گیری درباره مال مشاع با اکثریت آرا مشخص می‌شود. بنابراین، در صورت سکوت شرکای مال مشاع، اتخاذ تصمیم باید با اتفاق آرا صورت گیرد و در صورت توافق برخلاف آن به همان نحو عمل می‌شود.

حال چنانچه در گروه اقتصادی با منافع مشترک مال مشاعی موجود باشد، از جمله آورده اعضا یا درآمد حاصل از فعالیت گروه حتی اگر یک ریال باشد، اصل آن است که تصرف در آن مستلزم اتفاق آرای اعضای گروه خواهد بود. اما توافق برخلاف این اصل در قرارداد تشکیل گروه با مانعی مواجه نخواهد بود؛ همچنان که اصل آزادی قراردادی، با توجه به ماهیت قراردادی گروه، نیز پشتوانه آزادی عمل اعضاست و عدم تشریح حکم در مورد مجمع اعضا در ماده ۲۴ ق.ا.د. مؤید این آزادی است. در نتیجه اعضای گروه در زمان انعقاد قرارداد تشکیل گروه باید درباره حد نصاب تشکیل مجمع اعضای گروه، اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری، میزان رأی اعضای گروه- رأی بر اساس میزان آورده یا هر شخص یک رأی- توافق کنند. هرچند به نظر می‌رسد اگر قانون‌گذار به جهت تنظیم روابط اعضای گروه و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی تصمیم‌گیری در خصوص برخی از موضوعات مهم، از جمله تغییر موضوع گروه یا انحلال پیش از موعد گروه، را به صورت آمرانه منوط به توافق همه اعضا می‌کرد بسیار مناسب بود.

سؤال دیگر اینکه آیا در چارچوب نظام حقوقی کشور ایران اختصاص آرای بیشتر به برخی از اعضا برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها امکان‌پذیر است یا خیر؟ بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ و در مورد شرکت‌های سهامی اختصاص امتیازاتی به برخی از سهام مجاز است که این‌گونه سهام ممتاز نامیده می‌شود (تبصره ۲ ماده ۲۴ و ماده ۴۲ ل.ا.ق.ت.). قانون‌گذار کشور ما نوع امتیاز سهام ممتاز را مشخص نکرده و تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام در اظهارنامه^۲ و اساسنامه^۳ شرکت را به سهامداران واگذار کرده است. از جمله امتیازاتی که از نظر حقوقدانان قابل تخصیص به سهام ممتاز است داشتن حق رأی بیشتر نسبت به سهام عادی است (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۰: ۸۱).^۴ برخی با بررسی مبانی فقهی سهام

۱. منظور از شرکت در این ماده مال مشاع است و منظور از تصرف نیز تصرف مادی است (کاشانی، ۱۳۶۵: ۱۲).

۲. بند ۵ ماده ۷ ل.ا.ق.ت.

۳. بند ۶ ماده ۸ ل.ا.ق.ت.

۴. ماده ۱۲۳-۲۲۵ L قانون تجارت فرانسه حق رأی سهامداران را محدود کرده است؛ بدین ترتیب که صدور سهام ممتاز با حق رأی متعدد برای صاحبان سهام ممنوع

ممتاز به این نتیجه رسیده‌اند که تخصیص امتیاز سود بیشتر به سهام ممتاز از منظر فقهی و شرعی با مانعی مواجه نیست (پارساپور و عیسیایی تفرشی، ۱۳۸۴: ۲۱ - ۳۵) و برخی دیگر اختصاص سایر امتیازات، از جمله حق رأی بیشتر، را از منظر شرعی و فقهی جایز می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۹ - ۳۱).

حال در مورد اختصاص حق رأی بیشتر به برخی از اعضای گروه می‌توان گفت منعی در این خصوص قابل تصور نیست. زیرا «اساساً غرض اصلی شرع دخالت در زندگی روزمره انسان‌ها نیست، بلکه هدف هدایت بشر به سوی کمال و سعادت ابدی است و بنابراین اموری که به حیات دنیوی انسان‌ها مربوط می‌شود غالباً به شعور و ادراک آن‌ها محول گردیده و نهی شرعی محدود به مواردی است که عقل انسان از وجود مفسده در آن‌ها غفلت دارد. به عبارت واضح‌تر اصولاً در اسلام معاملات جنبه تأسیسی ندارند، بلکه امضایی هستند؛ یعنی شارع اسلام در معاملات و داد و ستدها خودش تأسیس مستقلی ندارد. به طور کلی آنچه عقلاً صحیح بدانند به لحاظ شرعی نیز صحیح است. مگر آنکه شارع به دلیل وجود مفسده آن را باطل و مردود اعلام کرده باشد، خواه ما بتوانیم این مفسده را درک کنیم خواه نه؛ مانند معاملات ربوی، غرری، بیع کالی به کالی، و ...» (پارساپور و عیسیایی تفرشی، ۱۳۸۴: ۳۲ - ۳۳). قراردادی بودن نهاد گروه اقتصادی با منافع مشترک مقتضی آزادی تصمیم‌گیری اعضاست و حکومت اصل آزادی قراردادی در این زمینه با خصمی روبه‌رو نیست و قانون‌گذار هم منعی ایجاد نکرده است.

مدیریت گروه

گروه اقتصادی با منافع مشترک، که بنا بر صراحت ماده ۲۴ ق.ا.د. در قالب شرکت مدنی تشکیل می‌شود، برای فعالیت و ارتباط با اشخاص ثالث به مدیر یا راهبر نیاز دارد. مدیر یا مدیران تصمیمات اتخاذشده توسط مجمع اعضا را اجرا و اعمال می‌کنند. در ادامه نحوه انتخاب مدیر، ماهیت رابطه حقوقی آن‌ها با گروه، و حدود اختیارات آن‌ها در سه قسمت بررسی می‌شود.

نحوه انتخاب مدیر گروه

اعضای گروه می‌توانند در قرارداد تشکیل گروه اولین مدیر یا مدیران را انتخاب و مدت مدیریت آن‌ها را نیز تعیین کنند. در این صورت همراه قرارداد گروه در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت و اعلان می‌شود. به موجب بند ۱ ماده ۱۹ آیین‌نامه جامعه اروپا، اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک توسط یک یا چند شخص حقیقی، که در قرارداد تشکیل گروه یا با تصمیم اعضا منصوب می‌شوند، صورت می‌گیرد. البته ممکن است مدیری انتخاب نشود و اعضا به صورت جمعی و مشترک به اداره گروه بپردازند. پس از تشکیل نیز مدیر یا مدیران گروه در مجمع عمومی اعضا و حسب مورد با اکثریت یا اتفاق آرا انتخاب می‌شود و باید در مرجع ثبت شرکت‌ها نیز ثبت و اعلان شود. با توجه به جنبه قراردادی گروه اقتصادی با منافع مشترک طبیعتاً اعضای گروه می‌توانند در قرارداد تشکیل گروه سازوکار تعیین مدیر یا مدیران گروه و مدت مدیریت آن‌ها را تعیین کنند. در ماده ۲۴ ق.ا.د. حکمی مبنی بر لزوم انتخاب مدیر از بین اعضا یا جواز انتخاب از اشخاص خارج از گروه وجود ندارد. بنابراین، با توجه به ساختار قراردادی گروه یادشده و عدم منع قانون‌گذار در این خصوص به نظر می‌رسد امکان انتخاب مدیر یا مدیران خارج از اعضای گروه نیز با مانعی مواجه نیست.

ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا تعیین مدیر یا مدیران در قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک شرط ثبت این قرارداد در مرجع ثبت شرکت‌هاست؟ در پاسخ باید گفت در صدر ماده ۲۴ ق.ا.د. ثبت قرارداد تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن مجاز شمرده شده است. از آنجا که در شرکت مدنی الزامی به تعیین مدیر وجود ندارد، بلکه ممکن است همه شرکا بالاتفاق به اداره آن بپردازند، تعیین مدیر در قرارداد گروه ضروری نیست و ممکن است مدیریت اشتراکی همه شرکا مورد نظر بوده باشد. همچنین، شرط بودن امری نیازمند تصریح قانون‌گذار است که در مانحن‌فیه این تصریح وجود ندارد. البته در آیین‌نامه جامعه اروپا به موجب بند d ماده ۷ آن تعیین مدیر یا مدیران از شرایط ثبت قرارداد گروه در مرجع ثبت شمرده شده است.

است. تنها استثنای این قاعده زمانی است که سهامدار به مدت دو سال مالک سهام ممتاز باشد و اساسنامه یا مجمع عمومی فوق‌العاده دادن حق رأی دوبرابر به وی را تصویب کرده باشد (شجاعی ارانی و گهرسودفرد، ۱۳۹۷: ۳۱۴).

ماهیت حقوقی رابطه مدیر با گروه

پس از انتخاب مدیر توسط اعضای گروه باید دید چه رابطه‌ای بین آن‌ها شکل می‌گیرد؟ آیا مدیر نماینده اعضای گروه است یا نماینده گروه؟ ماهیت این نوع نمایندگی چیست؟ در قانون مدنی در خصوص اثر عقد شرکت بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای بر آن‌اند که عقد شرکت در قانون مدنی تنها وسیله اداره و تصرف در مال مشترک یا مشاع است و مربوط به مرحله ایجاد آن نمی‌شود (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۵؛ امامی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). عده‌ای دیگر بر این باورند که عقد شرکت در قانون مدنی هم شامل مرحله ایجاد هم شامل مرحله تصرف و اداره مال مشاع می‌شود (کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۶ - ۱۷؛ عدل، ۱۳۸۵: ۲۷۳). در هر صورت عقد شرکت در اداره و تصرف در مال مشترک یک عقد اذنی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱). به بیان دیگر شرکا به مدیر یا مدیران اذن می‌دهند که در مال مشترک تصرف کنند و مدیران وکیل شرکا محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز در قالب شرکت مدنی شکل می‌گیرد، اعضا، با انتخاب مدیر یا مدیران، ایشان را از سوی خود برای اداره امور گروه مآذون می‌سازند. در این صورت مدیر از لحاظ سمتی که در اداره گروه می‌یابد در حکم وکیل سایرین است. بنابراین، رابطه مدیر با اعضای گروه رابطه وکیل با موکل محسوب می‌شود. مدیر باید حدود اذن را رعایت کند و در اجرای نیابت خود غبطه اعضای گروه را در نظر داشته باشد. در آیین‌نامه جامعه اروپا هیچ مقرره‌ای در خصوص ماهیت رابطه حقوقی مدیران با گروه اقتصادی با منافع مشترک وجود ندارد. تنها در ماده ۲۰ این آیین‌نامه مقرر شده است که مدیر یا مدیران منتخب در معاملات با اشخاص ثالث گروه را نمایندگی می‌کنند و بنابراین می‌توان مدیر یا مدیران را نماینده گروه دانست. باید توجه کرد که بر اساس بند ۲ ماده ۲ این آیین‌نامه گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی دارای شخصیت حقوقی است؛ برخلاف گروه اقتصادی با منافع مشترک موضوع ماده ۲۴ ق.ا.د. که فاقد شخصیت حقوقی است و مدیر نمی‌تواند وکیل گروه باشد.

حدود اختیارات مدیر یا مدیران گروه

همان‌طور که بیان شد مدیران وکیل اعضای گروه هستند و مجمع اعضا تصمیمات لازم را برای فعالیت و اداره گروه اتخاذ می‌کند و این تصمیمات توسط مدیر یا مدیران اجرایی می‌شود. در تبصره ۱ ماده ۲۴ ق.ا.د. آمده است «تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نیست...».

چنانچه بخواهیم در متون قانونی مشابه این عبارت را جست‌وجو کنیم، عبارت یادشده در این تبصره قسمت اخیر ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. را تداعی می‌کند. در این ماده قانون‌گذار ابتدا مرز صلاحیت مجامع شرکت به عنوان ارکان تصمیم‌گیری و حدود صلاحیت و اختیارات مدیران را مشخص می‌کند و سپس در قسمت اخیر آن هر گونه تحدید اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی را در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن می‌داند.^۱ در ماده ۲۴ ق.ا.د. قانون‌گذار در مورد صلاحیت مجمع اعضا و حدود اختیارات مدیر یا مدیران گروه هیچ حکمی را بیان نکرده و یک‌باره تغییر در حیطه اختیارات مدیران در برابر اشخاص ثالث را غیر قابل استناد می‌داند. سؤال آن است که اختیارات مدیران کدام است که تغییر در حیطه آن‌ها در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست؟

بر اساس ماده ۲۰ آیین‌نامه جامعه اروپا فقط مدیر یا مدیران گروه در معامله با اشخاص ثالث نمایندگی گروه را بر عهده دارند و هر مدیر که برای گروه اقدام می‌کند گروه را در برابر اشخاص ثالث متعهد و ملزم می‌کند. بنابراین به موجب ماده یادشده حدود اختیارات مدیر یا مدیران به نوعی مشخص شده و سپس مقرر شده که اگر اقدامات مدیر یا مدیران حتی خارج موضوع گروه هم باشد در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست؛ مگر در موارد استثنایی. در نتیجه باید ابتدا حدود اختیاراتی برای مدیر یا مدیران مشخص می‌شد و سپس عدم امکان تغییر در حدود آن اختیارات مورد حکم قرار می‌گرفت.

برای روشن شدن مطلب باید گفت مجمع اعضا صلاحیت تصمیم‌گیری در خصوص همه امور گروه را دارد و همین مجمع معطی اختیارات به مدیر یا مدیران است. بنابراین اگر برای مدیر یا مدیران در قرارداد تشکیل گروه حدود اختیاراتی مشخص شود

۱. قسمت اخیر ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. بیان می‌دارد: «... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است.»

تغییر در حیطه آن‌ها در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. اما چنانچه در قرارداد تشکیل گروه حدود اختیاراتی برای مدیر یا مدیران مشخص نشود، آیا ایشان همه اختیارات لازم را برای اداره گروه خواهند داشت یا محدودیتی قابل تصور است؟ در پاسخ به این سؤال باید توجه کرد که مدیر یا مدیران منتخب وکیل اعضای گروه محسوب می‌شوند. بنابراین، اگر حدود اختیارات برای ایشان مشخص نشود وکالت و نمایندگی اعطایی به ایشان بر اساس ماده ۶۶۱ قانون مدنی مطلق است و فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود. البته مفهوم «اداره» در حقوق ما روشن نیست و ناچار باید تشخیص آن را از «تصرفات» به عرف و تعبیر اراده طرفین در هر مورد واگذار کرد. مثلاً، اجاره دادن و باز کردن حساب جاری و پس‌انداز از امور مربوط به اداره اموال است؛ درحالی‌که فروختن و بخشیدن و رهن گذاردن در شمار مربوط به تصرف به معنای خاص کلمه قرار دارد، مگر اینکه در دید عرف لازمه اداره اموال به شمار آید. چنان که خرید و فروش، که برای وکیل مدنی از حدود اداره اموال به طور معمول خارج است، در مورد مدیر مؤسسه تجاری از امور اداری است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

به نظر می‌رسد در مورد مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز عرف اداره را شامل خرید و فروش و انتقال اموال نیز می‌داند. زیرا هدف از تعیین مدیر نیز راهبری گروه به سمت اهداف تعیین شده است و لازمه دستیابی به این موضوع اختیار وی برای انجام دادن هر گونه معاملات است؛ از جمله معاملات موجب تصرف و انتقال مال (ماده ۶۷۱ قانون مدنی). در عقد شرکت نیز زمانی که شریکی، در ضمن عقد، نمایندگی سایر شرکا را برای اداره مال مشترک بر عهده می‌گیرد از همه اختیارات لازم برای اعمال این نمایندگی و اداره مال مشاع برخوردار است (ماده ۵۷۷ قانون مدنی). بنابراین، باید حدود اختیارات مدیر یا مدیران گروه را نمایندگی گروه در معاملات با اشخاص ثالث بدانیم و تغییر در حیطه این اختیارات نیز در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود. بدیهی است اعضای گروه می‌توانند در قرارداد گروه حدود اختیارات مدیر یا مدیران را معین کنند و اختیارات گفته شده را کاهش یا افزایش دهند. این رویکرد از سوی آیین‌نامه جامعه اروپا نیز انتخاب شده است.

در تبصره ۱ ماده ۲۴ ق.ا.د. تغییر در حیطه اختیارات مدیران مطرح شده است. این تغییر شامل تحدید و توسعه اختیارات می‌شود. سؤال آن است که آیا محدود کردن و توسعه دادن اختیارات، هر دو، ممکن نیست یا صرفاً محدود کردن اختیارات امکان‌پذیر نیست، اما، توسعه اختیارات با اشکالی مواجه نیست؟

در ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. تنها به محدود کردن اختیارات مدیران اشاره شده و از توسعه اختیارات حرفی به میان نیامده است. همچنین، به موجب ماده ۵۷۷ قانون مدنی در خصوص اداره مال مشاع، اگر اختیارات شریک مطلق باشد و قیدی نداشته باشد، همه اختیارات لازم را خواهد داشت و تقیید و تحدید اختیارات نیاز به تصریح دارد. علاوه بر این چنانچه اعضای گروه به توسعه اختیارات مدیر اقدام کنند، ضرری متوجه اشخاص ثالث ناآگاه نخواهد بود. اما محدود کردن اختیارات می‌تواند اشخاص ثالث را در برابر ایراد نبود اختیار قرار دهد. بنابراین به نظر می‌رسد به‌رغم اطلاق واژه «تغییر» در تبصره ۱ ماده ۲۴ ق.ا.د. این تغییر صرفاً به معنای محدود کردن اختیارات مدیران باشد که منع شده است. برخی بر آن‌اند که این قسمت تبصره (که تغییر در حدود اختیارات مدیران را معتبر ندانسته است) با جوینت ونچرهای قراردادی (که در آن‌ها حدود اختیارات مدیران در قرارداد مشخص می‌شود) قابل تطبیق نیست و این حکم مناسب شرکت‌های تجاری است که قرارداد نمی‌تواند حدود اختیارات مدیران را از آنچه در اساسنامه معین شده و اصولاً به اطلاع اشخاص ثالث رسیده است تغییر دهد (علومی یزدی، ۱۳۹۲: ۷۹). درحالی‌که این استدلال صحیح نیست. زیرا در هر صورت مدیر وکیل اعضای گروه است و حدود اختیارات وی می‌تواند بر صحت قراردادهای منعقد شده تأثیرگذار باشد. ضمناً اساسنامه اشخاص حقوقی نیز ماهیتاً قرارداد بین شرکا محسوب می‌شود و از این حیث با قرارداد تشکیل گروه تفاوتی ندارد.

بر اساس ماده ۲۰ آیین‌نامه جامعه اروپا، هیچ محدودیتی در اختیارات ناشی از قرارداد تشکیل گروه برای مدیر یا مدیران در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. تنها چنانچه در قرارداد تشکیل گروه اقدام مدیران به صورت اجتماع مقرر شده باشد، گروه اقتصادی با منافع مشترک زمانی ملزم می‌شود که مدیران به اتفاق یک‌دیگر اقدام کنند و اگر قرارداد گروه ثبت و منتشر شده باشد، این شرط در برابر اشخاص ثالث نیز قابل استناد است. بنابراین در آیین‌نامه جامعه اروپا توسعه اختیارات منعی ندارد و صرفاً تحدید اختیارات منع شده است.

سؤال دیگر اینکه در فرض اطلاق اختیارات مدیر یا مدیران گروه اقتصادی، آیا ایشان می‌توانند خارج از موضوع گروه نیز اقدام و اعضای گروه را در برابر اشخاص ثالث ملزم کنند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت اعضای گروه مدیر یا مدیران را صرفاً در حدود موضوع آن گروه مآذون می‌سازند و مدیر یا مدیران نیز می‌توانند در همین حدود هر عملی را که لازمه اداره کردن گروه است انجام دهند. قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک با موضوعی مشخص، فرضاً ساخت و فروش واحدهای مسکونی، منعقد می‌شود و بدون تردید اعضای گروه نیز در همین حدود معطی اذن به مدیر یا مدیران هستند. عرف و بناء عقلاً نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. از طرفی بنا بر الزام ماده ۲۴ ق.ا.د. این قرارداد ثبت می‌شود و اشخاص ثالث نیز از موضوع گروه آگاه می‌شوند و باید بدانند که مدیر یا مدیران در حدود موضوع گروه مآذون است و از این منظر هیچ ضرری برای اشخاص ثالث قابل تصور نیست. اگر این نظر را بپذیریم و مدیر یا مدیران گروه خارج از موضوع گروه، که محدوده اذن اعضا است، معامله کنند این معامله غیر نافذ خواهد بود و اعضا می‌توانند آن را قبول یا رد کنند. در این صورت مورد از مصادیق ماده ۵۸۱ قانون مدنی است. در این فرض، با رد معامله از سوی اعضای گروه، مدیر یا مدیران شخصاً در مقابل اشخاص ثالث مسئول اند (ماده ۵۸۵ قانون مدنی). گفتنی است در ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت.^۱ که محدودیت اختیارات مدیران را نمی‌پذیرد توسعه اختیارات محدود به حدود موضوع شرکت شده است. در پاراگراف ۲ ماده ۱۱-۲۵۱ L. قانون تجارت فرانسه نیز محدودیت اختیارات مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک در حدود موضوع گروه پذیرفته است. برخی به درستی بر آن اند که اصل اختیارات مطلق مدیر در برابر اشخاص ثالث، که توسط بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، متوقف بر این است که اعمال مدیر در چارچوب موضوع گروه قرار گیرد تا موجب متعهد شدن (اعضای) گروه شود (حقانی، ۱۳۹۱: ۲۰۶).

اما می‌توان در این خصوص تحلیل دیگری نیز ارائه داد. در مورد اشخاص حقوقی این استدلال مطرح می‌شود که این اشخاص در حدود موضوع خودشان دارای اهلیت و فراتر از موضوع خود فاقد اهلیت و اختیار هستند و مدیران نیز اختیار خود را از این اشخاص می‌گیرند. بنابراین، آن‌ها نمی‌توانند بیش از منوب‌عنه خود دارای اختیار باشند. بر این اساس مدیران صرفاً باید در چارچوب موضوع شرکت اقدام کنند. اما گروه اقتصادی با منافع مشترک در چارچوب ماده ۲۴ ق.ا.د. فاقد شخصیت حقوقی است و همان‌طور که قبلاً بیان شد مدیر یا مدیران این گروه وکیل و نماینده اعضای گروه هستند نه خود گروه. در این صورت اختیار مدیر گروه از اختیارات اعضای گروه نشئت می‌گیرد و از این جهت چون اختیار منوب‌عنه هیچ محدودیتی ندارد مدیر نیز اختیار لازم برای اداره گروه خارج از موضوع آن نیز خواهد داشت؛ مگر اینکه تصریح شود اعطای اذن به مدیر صرفاً در چارچوب موضوع گروه صورت می‌گیرد. در این تحلیل، منافع اشخاص ثالث و حمایت هر چه بیشتر از ایشان و رفع تکلیف آگاهی از موضوع گروه مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس ماده ۲۰ آیین‌نامه جامعه اروپا، مدیر یا مدیرانی که برای گروه اقدام می‌کنند گروه را در برابر اشخاص ثالث ملزم می‌کنند، حتی اگر اقدامات مدیر خارج از موضوع گروه باشد؛ مگر اینکه گروه ثابت کند شخص ثالث «می‌دانسته یا بر اساس شرایط نمی‌توانسته که نداند» که اعمال مدیر خارج از موضوع گروه است. ضمن اینکه انتشار قرارداد گروه نیز نمی‌تواند قرینه کافی برای اثبات آگاهی شخص ثالث باشد. این در حالی است که گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی دارای شخصیت حقوقی است و موضوع حدود اهلیت و اعطای اختیار نیز در مورد آن وجود دارد.

در کشور انگلستان نیز هرچند با توسل به قاعده تجاوز از اختیارات تصمیمات خارج از موضوع مدیر باطل شمرده می‌شد، در ماده ۱۱۰ قانون شرکت‌های ۱۹۸۹ این کشور و سپس در بند ۱ ماده ۳۹ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ آن کشور در ارتباط با اصلاح این قاعده اقدام شد و هر گونه محدودیتی در رابطه با اختیارات مدیر در اسناد گروه مانع از اهلیت گروه و مسئولیت ناشی از اقدام مدیران نخواهد بود (پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۳۳ - ۱۳۴).

با تحلیلی که از حدود اختیارات مدیر یا مدیران گروه صورت گرفت، به‌ویژه در جایی که در قرارداد گروه حدود اختیارات مدیر یا مدیران مشخص نمی‌شود، به نظر می‌رسد تحلیل اول از مبنای محکم و مناسب‌تری برخوردار است. زیرا ظاهر آن است که اعطای اختیار به مدیر در حدود موضوع گروه است. باید توجه داشت که اعضای گروه آورده‌ای دارند و مدیر را برای اداره این

۱. «... مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند؛ مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد».

آورده‌ها مآذون می‌سازند و از طرفی چون این آورده‌ها را برای هدف مشخصی که همان موضوع گروه است در میان گذاشته‌اند حدود اذن و اختیارات مدیر نیز در حدود موضوع گروه است.

سود و زیان و تقسیم آن

گروه اقتصادی با منافع مشترک برای فعالیت اقتصادی و کسب سود و به عبارتی با قصد انتفاع تشکیل می‌شود. بنابراین تقسیم سود و زیان احتمالی بین اعضای گروه مهم است و باید نحوه تقسیم سود و زیان مشخص شود.

در قرارداد شرکت هر یک از شرکا به میزان سهم خود در نفع و ضرر سهیم است (ماده ۵۷۵ قانون مدنی). این قاعده از پیشینه فقهی نیز برخوردار است (عاملی، ۱۴۱۹ ق: ۳۵۵ - ۳۵۶). اما در خصوص شرط خلاف این قاعده در فقه امامیه سه نظر وجود دارد. عده‌ای چنین شرطی را صحیح می‌دانند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ ق: ۴۷۱؛ عاملی، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۱؛ حلی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۱). عده‌ای دیگر قائل به بطلان شرط و شرکت شده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷؛ ۳۴۹؛ حلی، ۱۴۱۰ ق: ۴۰۰). و عده‌ای دیگر قائل به صحت شرکت و عدم لزوم شرط شده‌اند (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۰۵ ق: ۳۱۰؛ حلی، ۱۴۱۸ ق: ۱۴۶). باید پذیرفت هرچند تناسب سود با میزان سرمایه شریکان روش متعارف در تقسیم سود است، این موضوع به منزله قاعده کلی نمی‌تواند پاسخگوی انتظارات شریکان باشد و تعیین سود بیشتر برای برخی از شرکا بدون عمل زیاده‌تر با اشکالی مواجه نخواهد بود (پارساپور و عیسیایی تفرشی، ۱۳۸۴: ۲۱ - ۳۶). در موردی که شرکت ترکیبی از کار و سرمایه است یا طرفین تنها کار خود را در شرکت می‌گذارند، تقسیم سود باید بر پایه قراردادی ویژه تعیین شود (کاشانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

بنابراین به عنوان اصل اولی اعضای گروه می‌توانند در قرارداد نحوه تقسیم سود را مشخص کنند. البته نمی‌توانند عضوی را به صورت کلی از سود حاصله محروم کنند. زیرا این محرومیت برخلاف مقتضای ذات قرارداد منعقد خواهد بود.

حال سؤال آن است که اگر در قرارداد تشکیل گروه نحوه تقسیم سود مشخص نشده و آورده اعضا کار و حرفه آنان باشد یا آورده برخی مادی و برخی دیگر کار و حرفه باشد، باید سود به چه نحوی تقسیم شود؟ اگر آورده اعضا مادی باشد، به عنوان قاعده اولی، تقسیم سود بر اساس آورده صورت می‌گیرد. اما اگر آورده مادی وجود نداشته باشد، آنچه مشخص است در این فرض

۱. در جایی که آورده اعضای گروه صرفاً کار و فعالیت ایشان باشد این نوع مشارکت در فقه اسلامی شرکت ابدان یا اعمال نامیده می‌شود که مشهور بین فقهای امامیه بطلان این نوع شرکت است (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۶۳۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۰؛ حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۳؛ حلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۹ ق: ۳۲۴). از بررسی کتب فقهی بعد از مرحوم علامه حلی معلوم می‌شود که بطلان شرکت ابدان نزد فقهای امامیه امری مسلم است؛ تا جایی که یکی از فقها از بیش از نوزده کتاب اجماع دال بر بطلان این شرکت نقل کرده است (عاملی، ۱۴۱۹ ق: ۳۲۴). ادله‌ای که از سوی فقها برای بطلان این نوع شرکت ارائه شده عبارت است از اجماع (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۰؛ حلی، ۱۴۱۰ ق: ۴۰۰؛ حلی، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۰؛ غرر (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۱۰ ق: ۴۰۰)، توفیقی بودن معاملات (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵ ق: ۲۳۰)، تملیک معلوم (خوبی، ۱۴۰۹ ق: ۲۲۳)، عدم آمیختگی (حلی، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۳؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ ق: ۳۰۷). در این میان تنها مرحوم محقق اردبیلی به صحت شرکت اعمال به طور مطلق (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹۳) و صاحب حلائق به صحت شرکت اعمال در خصوص حیزات مباحات نظر داده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ ق: ۱۵۶). برخی فقهای معاصر ادله بطلان شرکت اعمال را بررسی و نقد کرده‌اند و در نهایت قائل به صحت این نوع شرکت شده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۹۳).

از نظر حقوقی هیچ دلیلی بر بطلان این نوع مشارکت وجود ندارد، مگر آنکه موضوع شرکت مجهول باشد و هیچ‌یک از طرفین نداند در چه چیز با طرف دیگر شریک است. مثلاً اگر دو نفر با هم قرار بگذارند که همه آنچه از راه‌های مختلف تحصیل می‌کنند میانشان مشترک باشد نمی‌توان حکم به صحت این قرارداد داد. زیرا آورده هر شریک و موضوع شرکت مجهول است. ولی در موردی که مقصود طرفین عقد کاری معین باشد تا آنچه به دست می‌آورند میان خود تقسیم کنند دلیلی برای حکم به بطلان وجود ندارد؛ به خصوص با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی. مثلاً در یک شرکت مهندسی طراحی ساختمان هر مهندسی بر اساس تخصصی که دارد نقشه‌ای را طراحی می‌کند، مثلاً یکی از آن‌ها نقشه فندانسیون را طراحی می‌کند، دیگری نقشه‌های تأسیسات برق‌رسانی و آبرسانی، و دیگری نقشه‌ای دیگر، و در نهایت در درآمد حاصله با هم شریک می‌شوند. در این نمونه و موارد مشابه عده‌ای با هم شریک می‌شوند که هر یک در جایگاه خود کاری چندگانه را انجام دهد و پس از اتمام کار و کسر هزینه‌ها درآمد حاصل را متناسب با نوع کار هر یک یا بر اساس قرارداد مخصوص بین خود تقسیم کنند. در عرف نیز تعداد زیادی از شرکت‌ها از همین نوع است و در این خصوص غرری قابل تصور نیست. نفوذ این نوع توافقات نیاز به اذن خاص قانون‌گذار ندارد و فقط کافی است دلیلی بر بطلان آن وجود نداشته باشد که در مسئله مورد بحث موجود نیست. همچنین، از احکام مربوط به مضاربه و مزارعه و مساقات چنین برمی‌آید که سهم هر شریک می‌تواند عمل او باشد و بخشی از سود آن به این عمل اختصاص یابد. نیز اگر به وسیله عقد صلح می‌توان نیمی از منفعت را به دیگری تملیک کرد، به وسیله عقد شرکت نیز چنین مبادله‌ای ممکن است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۴). در گروه اقتصادی با منافع مشترک نیز موضوع آن مشخص است و چنانچه موضوع مجهول باشد باید بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی قائل به بطلان آن شد (عیسیایی تفرشی و کبیری، ۱۳۹۳: ۱۶۱ - ۱۶۲). بنابراین اگر آورده اعضا صرفاً کار ایشان باشد از این جهت خللی در صحت آن ایجاد نمی‌شود؛ مضافاً اینکه در ماده ۲۴ ق.ا.د. قانون‌گذار صرفاً مشارکت در اموال را موضوع حکم قرار نداده است، بلکه تشکیل گروه به منظور تسهیل و گسترش فعالیت‌های اعضا یا مورد نظر اعضا را برای تشکیل گروه اقتصادی کافی دانسته است (برای مطالعه بیشتر ← عیسیایی تفرشی و کبیری، ۱۳۹۳: ۱۶۳ - ۱۶۵).

امکان تقسیم سود بر اساس آورده شرکا وجود ندارد؛ مگر اینکه بگوییم کار و حرفه شریک قیمت‌گذاری شود و قیمت آن به عنوان آورده شریک محسوب و بر اساس آن سود تقسیم شود. در این خصوص نیز میزان بهره‌مندی هر یک از اعضا در قرارداد تعیین می‌شود و با مانعی روبه‌رو نیست. اگر هیچ‌یک از این موارد در میان نباشد، باید نسبت تساوی رعایت شود. این راه‌حل را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که در فرضی که میزان استحقاق اعضا بر اساس سود مردد است اصل تساوی سهم اعضا و عدم زیاده سهم یک عضو نسبت به عضو دیگر است. همچنین است در مورد زیان ناشی از فعالیت گروه. البته تعیین میزان بهره‌مندی هر یک از اعضا از مقدار سود در قرارداد راهکار دیگری است که می‌تواند مورد توافق اعضای گروه قرار گیرد.

بند ۱ ماده ۲۱ آیین‌نامه جامعه اروپا در مورد گروه اقتصادی با منافع مشترک اروپایی نیز این راه‌حل را پذیرفته است. در بند ۱ ماده ۲۱ این آیین‌نامه آمده است: «منافع حاصله از فعالیت‌های گروه منافع اعضا تلقی می‌شود و در بین آن‌ها به نسبتی که در قرارداد تشکیل گروه تعیین شده است تقسیم می‌شود و در صورت فقدان چنین مقرراتی به سهام یکسان تقسیم می‌شود».

نتیجه

گروه اقتصادی با منافع مشترک از جمله مشارکتهای قراردادی است و با اصطلاح جوینت ونچر فاقد شخصیت حقوقی نیز مترادف است. با بررسی سابقه نظام حقوقی کشور مشخص می‌شود قراردادهای مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه، و مساقات می‌تواند پیشینه این نهاد محسوب شود. اما قانون‌گذار برای ساماندهی و ایجاد ساختاری با قابلیت استفاده تجاری و اقتصادی این نهاد را به موجب ماده ۲۴ ق.ا.د. در نظام حقوقی کشور مطرح کرده است. نهاد شرکت مدنی در قانون مدنی بیشتر ناظر بر اموال مشاع است و از پویایی لازم برای حکومت در روابط اقتصادی و تجاری برخوردار نیست. ماده ۲۴ ق.ا.د. به دلیل اختصار به‌کاررفته در آن همه ابعاد این نهاد حقوقی را مشخص نکرده و ابهامات زیادی در مورد این نهاد ایجاد شده است. در این نوشتار سعی شد به ابهامات و اجمال‌های موجود در زمینه اداره گروه اقتصادی با منافع مشترک پاسخ داده شود و ابعاد مختلف آن روشن شود. بنابراین، نتایج حاصله از تحلیل ماده یادشده با توجه به مبانی فقهی و حقوقی و نیز مقررات آیین‌نامه جامعه اروپا و قانون فرانسه در خصوص این نهاد بدین شرح است:

۱. در ماده ۲۴ ق.ا.د. قانون‌گذار به مجمع اعضا و تصمیم‌گیری ایشان هیچ‌گونه توجهی نداشته است. در خصوص مجمع اعضا و بر اساس مقررات مال مشاع باید گفت با اطلاق قرارداد بین اعضای گروه اتخاذ تصمیم باید با اتفاق آرا صورت گیرد و چنانچه در قرارداد به گونه‌ای دیگر توافق کنند به همان نحو عمل می‌شود. عدم تشریح حکم در مورد مجمع اعضا در ماده ۲۴ ق.ا.د. مؤید پذیرش آزادی عمل اعضای گروه در قرارداد خواهد بود و این مورد ماهیت قراردادی بودن گروه اقتصادی با منافع مشترک را نمایش می‌دهد. در نتیجه، اعضای گروه در زمان انعقاد قرارداد تشکیل گروه باید در زمینه حد نصاب تشکیل جلسه اعضای گروه، اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری، میزان رأی اعضای گروه- رأی بر اساس میزان آورده یا هر شخص یک رأی- زمان تشکیل جلسات، نحوه دعوت به جلسات، و ... توافق کنند. البته به نظر می‌رسد چنانچه قانون‌گذار تصمیم‌گیری در خصوص برخی از موضوعات مهم- از جمله تغییر موضوع گروه، انحلال پیش از موعد گروه، تمدید مدت گروه پس از انقضای آن، افزایش یا کاهش در حقوق یا تعهدات اعضای گروه- را به صورت آمرانه منوط به توافق همه اعضا می‌کرد بسیار مناسب و مطلوب بود.

۲. در مورد اختصاص حق رأی بیشتر به برخی از اعضای گروه نیز می‌توان گفت معنی در این خصوص قابل تصور نیست.

۳. مجمع اعضا از صلاحیت عام برای تصمیم‌گیری برخوردار است و در خصوص همه موضوعات می‌تواند اتخاذ تصمیم کند و برخلاف شرکت‌های سهامی با مجامع عمومی مواجه نیستیم؛ مگر اینکه اعضا در قرارداد گروه برای اتخاذ برخی از تصمیمات نوع خاصی از مجمع، مثلاً مجمع فوق‌العاده با حد نصاب و اکثریت خاص، را پیش‌بینی کنند.

۴. در قرارداد تشکیل گروه، اولین مدیر یا مدیران انتخاب و مدت مدیریت آن‌ها نیز تعیین می‌شود. در این صورت مدیران منتخب همراه قرارداد گروه در مرجع ثبت شرکت‌ها ثبت و اعلان می‌شود. همچنین ممکن است مدیری انتخاب نشود و اعضا به صورت جمعی و مشترک به اداره گروه بپردازند. پس از تشکیل نیز مدیر یا مدیران گروه در مجمع عمومی اعضا و حسب مورد با اکثریت یا اتفاق آرا انتخاب می‌شود و باید در مرجع ثبت شرکت‌ها نیز ثبت و اعلان شود. با توجه به جنبه قراردادی گروه

اقتصادی با منافع مشترک، طبیعتاً، اعضای گروه می‌توانند در قرارداد تشکیل گروه سازوکار تعیین مدیر یا مدیران گروه و مدت مدیریت آن‌ها را تعیین کنند. امکان انتخاب مدیر یا مدیران خارج از اعضای گروه نیز وجود دارد. عدم تعیین مدیر یا مدیران در قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک مانع ثبت این قرارداد نخواهد بود.

۵. مدیر از لحاظ سمتی که در اداره گروه می‌یابد در حکم وکیل سایرین است. بنابراین، رابطه مدیر با اعضای گروه رابطه وکیل با موکل محسوب می‌شود.

۶. مجمع اعضا صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد همه امور گروه را دارد و همین مجمع معطی اختیارات به مدیر یا مدیران است. بنابراین ممکن است در قرارداد تشکیل گروه پس از انتخاب مدیر یا مدیران حدود اختیاراتی برای آن‌ها مشخص شود و در این صورت تغییر در حیطه آن در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. همچنین از آنجا که مدیر یا مدیران منتخب وکیل اعضای گروه محسوب می‌شوند، اگر حدود اختیارات برای ایشان مشخص نشود، وکالت و نمایندگی اعطایی به ایشان مطلق خواهد بود و از این جهت مشمول ماده ۶۶۱ قانون مدنی می‌شود.

۷. اعضای گروه مدیر یا مدیران را صرفاً در حدود موضوع آن گروه مأذون می‌سازند و عرف و بناء عقلا نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. از طرفی بنا بر الزام ماده ۲۴ ق.ا.د. این قرارداد ثبت می‌شود و اشخاص ثالث نیز از موضوع گروه آگاه می‌شوند و بنابراین اختیارات مدیر یا مدیران در حدود موضوع گروه است. با پذیرش این نظر وضعیت معامله‌ای که خارج از موضوع گروه - که محدوده اذن اعضا است - انجام شود عدم نفوذ است و اعضا می‌توانند آن را قبول یا رد کنند.

۸. در مورد تقسیم سود به عنوان اصل اولی، اعضای گروه می‌توانند در قرارداد نحوه تقسیم سود را مشخص کنند؛ هرچند نمی‌توانند عضوی را به صورت کلی از سود حاصله محروم کنند. زیرا این محرومیت برخلاف مقتضای ذات قرارداد منعقد خواهد بود. اگر در قرارداد تشکیل گروه نحوه تقسیم سود مشخص نشده باشد، اگر آورده اعضا مادی باشد، به عنوان قاعده اولی تقسیم سود بر اساس آورده صورت می‌گیرد. اما اگر آورده مادی وجود نداشته باشد، امکان تقسیم سود بر اساس آورده شرکا وجود ندارد؛ مگر اینکه آورده‌های غیر مادی، مانند کار و حرفه، قیمت‌گذاری شود و قیمت آن به عنوان آورده شریک محسوب و بر اساس آن سود تقسیم شود. در این خصوص تعیین میزان بهره‌مندی هر یک از اعضا در قرارداد نیز ممکن است و با مانعی روبه‌رو نیست. اگر هیچ‌یک از این موارد در میان نباشد، باید تساوی رعایت شود.

منابع

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد نهم و دهم.
- اشمیتوف، کلايو ام. (۱۳۷۸). حقوق تجارت بین الملل. مترجم: بهروز اخلاقی و همکاران. تهران: سمت. جلد اول.
- بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید) (۱۴۱۳ ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله علیه.
- پارساپور، محمدباقر و عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۸۴). مبانی فقهی سهام ممتاز (با امتیاز سود بیشتر) در شرکت‌های سهامی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال نهم، (شماره ۴۰)، ۲۱ - ۳۶.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۷). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ سوم، تهران: سمت.
- حقانی، سعید (۱۳۹۱). گروه منفعه اقتصادی (ماهیت و ساختار). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- حکیمیان، علی محمد (۱۳۸۴). بررسی ماهیت و ساختار جوینت ونچر. روش‌شناسی علوم انسانی، سال یازدهم، (شماره ۴۴)، ۳۳ - ۶۰.
- حلی، حمزه بن علی حسینی (ابن زهره) (۱۴۱۷ ق). غنیه النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- حلی، جعفر بن حسن (محقق) (۱۴۱۸ ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. چاپ ششم. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیه. جلد اول.
- حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادریس) (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد دوم
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه) (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد ششم.
- خزاعی، حسین و بدری اهری، رسول (۱۳۶۹). بررسی اجمالی مفهوم حقوقی «J. V.» در حقوق امریکا و حقوق بین الملل. حقوقی بین المللی، سال دهم، (شماره ۱۳)، ۵۱ - ۱۲۴.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (محقق) (۱۴۲۳ ق). کفایه الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد اول.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). شرکت اعمال در فقه اسلامی. فقه اهل بیت، سال پانزدهم، شماره ۵۸ و ۵۹، ۶۷ - ۹۳.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸). حقوق تجارت. چاپ شانزدهم. تهران: دادگستر. جلد دوم.
- شاپیرا، ژان (۱۳۷۱). حقوق بین الملل بازرگانی، مترجم: ربیعا اسکینی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- شجاعی ارانی، سعید و گهرسودفرد، نسیم (۱۳۹۷). امتیازات و انواع سهام ممتاز. تحقیقات حقوقی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲، ۳۰۷ - ۳۳۲.
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۵ ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). تشکیل قراردادهای و تعهدات. چاپ پنجم. تهران: مجد.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). چاپ ششم. تهران: میزان. جلد دوم.
- طباطبایی، سید صادق (۱۳۹۴). تحلیل فقهی - اقتصادی سهام ممتاز. جستارهای اقتصادی، سال دوازدهم، (شماره ۲۴)، ۹ - ۳۲.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. چاپ سوم. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه. جلد دوم.
- _____ (۱۴۰۰ ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی) (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. جلد پنجم و هشتم.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه. جلد چهارم.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ ق). مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیثه). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد پانزدهم و بیستم.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۴ ق). غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. جلد دوم.

- عدل، سید مصطفی (۱۳۸۵). حقوق مدنی. چاپ دوم. قزوین: طه.
- علمی یزدی، حمیدرضا (۱۳۹۲). چالش‌های حقوقی تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک. پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، (شماره ۴، شماره پیاپی ۴)، ۶۷ - ۸۳.
- عیسیایی تفرشی، محمد (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. جلد اول.
- _____ (۱۳۹۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ دوم (ویراست دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. جلد دوم.
- فروغی، علی‌رضا (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی مفهوم حق و حکم. فقه و حقوق خصوصی، سال اول، (شماره ۱)، ۳ - ۳۶.
- قهرمانی، نصرالله (۱۳۸۴). ماهیت حقوقی Joint venture و مقایسه آن با نهادهای مشابه. مجله کانون وکلا، سال بیست و یکم، (شماره ۱۹۰)، ۳۴ - ۵۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). دروه عقود معین (۴) (عقود انزی - وثیقه‌های دین). چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۶). حقوق مدنی، مشارکت‌ها - صلح. چاپ هفتم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۷). حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها). چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار. جلد پنجم.
- کاشانی، سید محمود (۱۳۶۵). شرکت مدنی. تحقیقات حقوقی، سال هفتم، شماره ۲، ۹ - ۶۸.
- _____ (۱۳۸۸). حقوق مدنی (قراردادهای ویژه). تهران: میزان.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی قابل دسترسی در: <http://mashruh.ir/session/30977/table#q0706>
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۰۹ ق). العروه الوثقی (للسید الیزدی). چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. جلد دوم.
- _____ (۱۴۱۴ ق). تکمله العروه الوثقی. قم: کتاب‌فروشی داوری. جلد اول.
- Adl, S. M. (2006). *Civil Law*. Qazvin: Taha Issuances. (in Persian)
- Ameli Karaki, A. (1993). *Jame al-maghased fi sharhe al-ghavad*. Qom: Al-Bayt Institute. Vol. 5 & 8. (in Arabic)
- Ameli, J. (1998). *Meftah Al-kerame fi Sharhe Ghavaed Allame*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. Vol. 15 & 20. (in Arabic)
- Ameli, M. (Shahid avval) (1993). *Ghayat Al-morad fi Sharhe Nakat Al-ershad*. Qom: Publications of Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. Vol. 2. (in Arabic)
- Ameli, Z. (Shahid Sani) (1992). *Masalek Al-afham ela Tanghihe Sharaye Al-islam*. Qom: Institute of Islamic Studies. Vol. 4. (in Arabic)
- Ardabili, A. (1982). *Majma al-faeda val borhan fi sharh ershad al-azhan*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. (in Arabic)
- Baghdadi, M. (sheykhemufid) (1992). *Al-Moghnea*. Qom: Hazara World Congress Sheikh Mufid. (in Arabic)
- Baker & McKenzie (2006). *International JointVentures Handbook*. accessible in: https://www.bakermckenzie.com/media/files/insight/publications/2015/09/bk_jointventureshandbook_15.pdf%203Fla%203Den.
- Byron, F. Egan. (2001). *challenges in joint venture formation*. London: Sweet & Maxwell.
- Council Regulation No 2137/85, *on the European Economic Interest Grouping (EEIG)* (adopted by the Council on 25 July 1985).
- Esaei Tafreshi, M. (2009). *Analytical discussions of corporate law*. Tehran: Tarbiyat Modares Issuances, Vol. 1. (in Persian)
- (2011). *Analytical discussions of corporate law*. Tehran: Tarbiyat Modares University Publication. (in Persian)
- Foroughi, S. A. (2018). Jurisprudential and legal study of the concept of right and ruling, *Journal of Jurisprudence and private law*, 1(1), 3-36. (in Persian)
- Ghahramani, N. (2005). The legal nature of Joint Venture and its comparison with similar institutions, *Journal of Bar Association*, 21(190), 34-52. (in Persian)
- Haghani, S. (2012). *Economic Interest Grouping (Nature and Structure)*. Tehran: The SD Institute of Law Research & Study. (in Persian)
- Hakimian, A. M. (2005). Investigating the nature and structure of the joint venture, *Journal of Methodology of Social Sciences and Humanities*, 7(2), 9-68. (in Persian)
- Helli, H. (Allame). (1992). *Mokhtalef al-shia fi ahkame al-sharia*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. Vol. 6. (in Arabic)
- Helli, J. (Mohaghegh). (1997). *Al-Mokhtasar Al-Nafe Fi Fiqh Emamie*. Qom: Religious Press institute. Vol. 1. (in Arabic)

- Helli, M. (Ebne Edris) (1989). *Al-Saraer Al-Havi Letahrir Al-Fatavi*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. Vol. 2. (in Arabic)
- Helli, Y. (1984). *Al-jame le-sharaye*. Qom: Sayyid Al-Shuhada Al-Alamiya Institute. (in Arabic)
- Hewitt, L. (2006). *Joint Ventures*. 2nd edition. London: Sweet & Maxwell.
- Kashani, S. M. (2009). *Civil Law (Special contracts)*. Tehran: Mizan Issuances. (in Persian)
- Katouzian, N. (2006). *Civil Law (Permission contracts & securities for debts)*. Tehran: Publishing Joint Stock Company. Vol. 4. (in Persian)
- (2007). *Civil Law, Partnerships- conciliation*. Tehran: Gange danesh Issuances. (in Persian)
- (2008). *Civil Law (General rules of contracts)*. Tehran: Publishing Joint Stock Company. Vol. 5. (in Persian)
- Katouzian, N. (2008). *Civil Law*. Tehran: Eslamiyeh issuances. Vol. 2. (in Persian)
- Khazaiee, H. & Badri Ahari, R. (1990). Overview of the Legal Concept of "J. V." In American Law and International Law. *Journal of International Law Review An Academic*, 10(13), 51-124. (in Persian)
- Oloumi Yazdi, H. R. (2013). Formation of Contractual Joint Venture. *Journal of Private Law Research*, 2(4), 67-83. (in Persian)
- Parsapour, M. B. & Essaei Tafreshi, M. (2005). The Foundations of Privileged Shares (More Benefit) of Joint-Stock Companies in Islamic Jurisprudence. *Comparative Law Researches*, 9(40), 21-36. (in Persian)
- Pasban, M. R. (2008). *Corporate Law*. Tehran: Samt Publication. (in Persian)
- Sabsevari, M. (Mohaghegh) (2002). *Kefayat Al-Ahkam*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. Vol. 1. (in Arabic)
- Safaei, S. H. (2008). *Basic Civil Law Course (General Rules of Contracts)*. Tehran: Mizan Issuances. (in Persian)
- Schmitthoff, Clive M. (1999). *The Law & Practice of International Trade*. Translated by: Behrooz Akhlaghi Ph.D & Partners. Qom: Samt Publication. (in Persian)
- Shahidi, M. (2006). *Formation of contracts and obligations*. Tehran: Majd Issuances. (in Persian)
- Shapira, J. (1992). *International Commercial Law*. Translated by: Rabia Eskini. Tehran: Islamic revolution publication. (in Persian)
- Sharif, A. (1994). *Al-Entesar Fi Enferadat Al-Emamie*. Qom: Islamic publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. (in Arabic)
- Shojaei Arani, S. & GoharSoudFard, N. (2018). Varieties and Privileges of Preferred Stocks. *Journal of Legal Research*, 21(82), 307-332. (in Persian)
- Sobhani, J. (2009). Participation of Actions in Jurisprudence. *Ahl al-Bayt jurisprudence magazine*. 15(58-59), 67-93.
- Sotoude Tehrani, H. (2009). *Commercial Law*. Tehran: Dadgostar Issuances. Vol. 2. (in Persian)
- Sterling Kerr, P. (2013). An Entity for Community Cooperation: The European Economic Interest Grouping. *BYU Law Review*, 1990 (4), 1743-1757.
- Tabatabaei, S. S. (2015). Economic-Jurisprudence Based Analysis of Preferred Stock. *Journal of Iran's Economic Essays*, 12(24), 9-33. (in Persian)
- Tousi, M. (2008). *Al-mabsout fi Fiqh al-emamie*. Tehran: Al-Murtadawi Library to Revive the Archeology of Jafari. Vol. 2. (in Arabic)
- (1979). *Al-nahaye fi Mojarad Al-fiqh va Al-fatavi*. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. (in Arabic)
- Yazdi, S. M. (1988). *Al-orveh Al-vosgha*. Beirut: Scientific Foundation for Publications. Vol. 2. (in Arabic)
- (1993). *Takmele Al-orveh Al-vosgha*. Qom: Davari Bookstore. Vol. 1. (in Arabic)